

معمای خاورمیانه در اتاق‌های فکر آمریکایی‌ها: با تمرکز بر مورد ایران

چکیده

اتاق‌های فکر یا مخازن اندیشه در آمریکا به عنوان کانون‌های تصمیم‌ساز و سیاست‌گذار شناخته می‌شوند که دولت و یا کنگره را در امر تصمیم‌گیری و اتخاذ راهبردهای مناسب به‌ویژه در سطح سیاست خارجی یاری رسانده و بودجه رسمی و غیررسمی خود را از سوی دو نهاد حکومتی مذکور تأمین می‌نمایند.

از آنجا که منطقه ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپلتیک و ژئوکالچر خاورمیانه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، موقعیت و منزلت حساس و خاصی را در سیاست‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آمریکا دارند، مقاله حاضر می‌کوشد در درجه اول به روش‌های تاثیرگذاری اتاق‌های فکر در ایالات متحده پرداخته و سپس از میان ۱۹۱۳ مؤسسه فکری، میزان تاثیر سه مخزن مهم و اثربخش بنگاه‌رند، مؤسسه بروکینگز و شورای روابط خارجی را از طریق استخراج تعداد محصولات آنها طی سال‌های ۲۰۰۰ میلادی تا ۲۰۱۱ در حوزه مسائل خاورمیانه و به‌ویژه ایران، تبیین، تحلیل و ارائه کند. در نهایت، دستاورد حاصله این است که شورای روابط خارجی با ۳۷۸۹ محصول، جایگاه اول در حوزه خاورمیانه و مؤسسه بروکینگز با ۱۴۴۶ اثر، رتبه نخست با موضوع ایران را داشته است. این امر ضرورت شناخت نگرش‌ها و شیوه‌های اقدام مخازن اندیشه مذکور را تأیید می‌کند و می‌تواند در تنظیم راهبرد مناسب برای ایران مفید و مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اتاق فکر، ایالات متحده آمریکا، خاورمیانه، ایران، سیاست‌گذاری، بنگاه‌رند، شورای روابط خارجی، مؤسسه بروکینگز

* محقق در آمریکاشناسی و روابط متقابل آمریکا - کشورهای خاورمیانه، دانش‌آموخته علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، صص ۷۸ - ۴۷.

یکی از نهادهای متاخری که نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی دولت‌ها یا رژیم‌های سیاسی در کشورها و به‌ویژه در ایالات متحده دارد، مؤسسات پژوهشی و تحقیقاتی یا اتاق‌های فکر هستند. در همین راستا، هدف این مقاله تعیین ابعاد و میزان نقش مخازن فکری در آمریکا بر سیاست‌های خاورمیانه‌ای این کشور می‌باشد. بعبارت دیگر این نوشتار درصدد است به این دو سؤال اصلی پاسخ دهد که اولاً روش‌های تأثیرگذاری اتاق‌های فکر چگونه است؟ و ثانیاً تأثیر آنها به لحاظ کمی به چه میزان است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه نوشتار این است که بین کارکردها و کارویژه‌های اتاق‌های فکر در ایالات متحده و راهبردهای کاخ سفید در خاورمیانه و به‌ویژه نسبت به ایران، رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

متغیر مستقل مقاله حاضر، اتاق‌های فکر آمریکایی، متغیر وابسته آن، سیاست‌های خاورمیانه‌ای و عامل محدودکننده، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. هم‌چنین اتاق‌های فکر در ایالات متحده به عنوان جامعه آماری و مؤسسات رند، بروکینگز و شورای روابط خارجی به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

ساختار مقاله بدین صورت است که پس از تعریف واژگان و مفاهیم مورد استفاده، در قسمت اول به ابعاد تأثیر اتاق‌های فکر پرداخته و در قسمت دوم، میزان نقش هر اتاق فکر به صورت آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در راستای فهم تأثیر کیفی و نقش کمی مخازن اندیشه، تلاش شده به صورت همزمان از دو روش برای گردآوری داده‌ها استفاده شود تا زوایا و ابعاد بیشتر و دقیق‌تری روشن گردد. این روش‌ها عبارتند از: روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش استقرایی (مشاهده مستقیم). هم‌چنین شیوه پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی یا اکتشافی و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیلی و توصیفی است.

تاکنون مطالعات و بحث‌های اندکی به زبان فارسی درباره نقش اتاق‌های فکر در آمریکا بر سیاست‌های این کشور صورت پذیرفته و مقالات محدودی در این باره منتشر شده‌اند، اما با این حال، هیچ‌یک به صورت خاص به موضوع و مسئله مورد تحقیق این مقاله نپرداخته‌اند. اغلب

نوشته‌ها به صورت کلی و نه اختصاصی به این موضوع معطوف بوده است، به گونه‌ای که به دشواری می‌توان در گوشه و کنار حجم محدود تولیدات نظری مربوط به مخازن اندیشه، یافته و نکته‌ای درباره تأثیر کیفی و کمی این اتاق‌ها بر سیاستگذاری خاورمیانه‌ای و ایران مشاهده کرد. بنابراین، با وجود آنکه پیشینه این موضوع چندان گسترده نیست، اما سعی شده از بخش‌هایی از منابع موجود که با موضوع یاد شده مرتبط هستند، استفاده شود.

چیستی اتاق فکر

۴۹

واژه اتاق فکر^(۱) برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۴۰ م. از سوی آمریکا مطرح و به تدریج وارد ادبیات علوم سیاسی و مدیریتی شد. هرچند مؤسسات تحقیقاتی پژوهشی سابقه‌ای طولانی‌تر از این دارند، از این عبارت برای اشاره به فضاهای خاص و امنی که طراحان و استراتژیست‌های نظامی برای تبادل نظر در آن اجتماع می‌کردند، استفاده می‌شد. با گذشت زمان کاربرد این عبارت نیز گسترده‌تر شده و حوزه معنایی وسیع‌تری را در بر گرفته است.

بر اساس آخرین رتبه‌بندی جهانی اتاق‌های فکر، در سال ۲۰۰۹ حدود ۶ هزار و ۹۷۶ اتاق فکر در ۱۷۰ کشور دنیا فعال هستند. این مخازن اندیشه به ترتیب در قاره‌ها و مناطق آمریکای شمالی، اروپای غربی، آسیا، آمریکای لاتین، اروپای شرقی، آفریقا، خاورمیانه و استرالیا و اقیانوسیه فعالند (جدول یک) که در این میان، بیشترین مخازن اندیشه در آمریکای شمالی با فراوانی ۱۹۱۳، سپس در اروپای غربی بعنوان رتبه دوم با ۱۸۷۲ اتاق فکر و در آسیا با ۱۲۱۰ مخزن به‌عنوان قاره سوم قرار دارند (نمودار یک).

هم‌چنین بیشترین اتاق فکر آمریکا در ایالت واشنگتن دی.سی و سپس در ماساچوست و بعد در کالیفرنیا قرار دارند (جدول ۲).

در ایالات متحده یک مخزن فکری به یک سازمان، مؤسسه، شرکت یا گروهی گفته می‌شود که علاوه بر تحقیق و پژوهش در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، دفاعی، امنیتی، اجتماعی

1. Think Tank

و غیره، از ایده‌ها یا اهدافی خاص حمایت کرده‌اند و با ارائه نظریات کارشناسی در قالب توصیه، مشاوره و لابی به دنبال تحقق و اجرای آن‌ها می‌باشند. ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی ایالات متحده معتقد است که در میان عوامل مختلفی که در شکل‌گیری سیاست خارجی و دفاعی ایالات متحده تاثیرگذارند، جایگاه مخازن فکری، بسیار مهم و بی‌بدیل است. دونالد ابلسان،^(۱) استاد علوم سیاسی دانشگاه وسترن اونتاریو، معتقد است مخازن فکری آمریکا قادرند به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم در روند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور تاثیرگذارند و سیاستمداران نیز علاقمند به کاربست توصیه‌های آنها هستند. «به نظر استراب تالبوت، مدیر مؤسسه بروکینگز، مخازن فکری با ارائه تحلیل‌ها و نتایج تحقیقاتی خود به جامعه سیاسی در طرح و اتخاذ سیاست‌های جدید کمک می‌کنند و زمینه بازنگری و تغییر سیاست‌های موجود را فراهم می‌آورند.^۱

شیوه‌های سنتی تاثیرگذاری اتاق‌های فکر در ایالات متحده، ارائه گزارش‌های کلی و تخصصی، مشاوره برای نمایندگان مجلس، تأمین نیروی کارشناس برای بدنه اجرایی کشور و برگزاری سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های تخصصی می‌باشد. با این حال در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان این مؤسسات مطالعاتی تحقیقاتی و یا اتاق‌های فکر ایالات متحده را با توجه به نقش و کارکرد ایشان و نیز با در نظر گرفتن ترتیب زمانی شکل‌گیری آنها، در چهار نسل تقسیم‌بندی کرد:

دوره اول: مخازن اندیشه در قالب مؤسسات تحقیقاتی

نسل اول اتاق‌های فکر ایالات متحده، مؤسسات مطالعاتی و تحقیقاتی بودند که در دهه اول قرن ۲۰ باهدف انجام پروژه‌های آکادمیک، تربیت نخبگان سیاسی، جهت‌دهی غیرمستقیم سیاست‌های دولت بدون جهت‌گیری سیاسی و یا گرایش به جناح سیاسی خاص شکل گرفتند. موققه کارنگی برای صلح بین‌المللی (۱۹۱۰) مؤسسه هوور (۱۹۱۰)، شورای روابط خارجی (۱۹۲۱)، مؤسسه

1. Donald E. Abelson.

بروکینگز (۱۹۲۷) و مؤسسه اینترپرایز (۱۹۴۳)، مهم ترین نمونه های نسل اول اتاق های فکر در ایالات متحده هستند.

دوره دوم: ظهور پیمانکاران دولتی

نسل دوم اتاق های فکر در ایالات متحده تقریباً همزمان با پایان جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود نهادند. جهت گیری این اتاق های فکر با توجه به شرایط جدید بین المللی، ظهور ابرقدرت های جدید و انزوای اکثر کشورهای اروپایی، چه از نظر اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی و نظامی، آغاز دوران جنگ سرد و وجود یک ایدئولوژی رقیب و فراگیر، ایجاد بلوک شرق و غرب، رقابت هسته ای، جنگ ستارگان و دیگر الزامات یک جهان دوقطبی، بسیار متفاوت با نسل اول اتاق های فکر بود. یکی از مهم ترین دغدغه های نسل دوم مؤسسات مطالعاتی امریکا مسائل مربوط به امنیت ملی امریکا در بعد داخلی و پیروزی بر رقیب ایدئولوژیک (اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی) در عرصه بین المللی بود. از دیگر مشخصات این نسل از اتاق های فکر، چگونگی ارتباط با نهادها و ساختارهای حکومتی ایالات متحده امریکا می باشد. بسیاری از صاحب نظران مدعی هستند که در این دوره اتاق های فکر بصورت طرف قرارداد وزارتخانه ها و سازمان های مختلف برای انجام تحقیقات مشخص و معینی وارد صحنه شدند. شرکت رند طرف قرارداد نیروی هوایی ارتش ایالات متحده (۱۹۴۸)، مؤسسه هادسون و مؤسسه اربن نمونه هایی از اتاق های فکر نسل دوم ایالات متحده آمریکا به شمار می آیند.

دوره سوم: ظهور مخازن اندیشه طرفدار

نسل سوم اتاق های فکر تقریباً تحولی عظیم در مؤسسات مطالعاتی تحقیقاتی بوجود آوردند. این نسل از اتاق های فکر همزمان با اوج مصرف گرایی و سرمایه داری در آمریکا بوجود آمدند. در این مقطع از تاریخ که سود و بازار کالای تولیدشده توسط افراد تبدیل به عاملی تعیین کننده در روابط شده بود اتاق های فکر نیز تبدیل به صنعتی مجزا و مستقل در ساختار حکومتی ایالات متحده شدند. تلاش عمده این نسل از اتاق های فکر یافتن بازار مناسب برای محصولات خود بود.

تمرکز بیش از حد روی رسانه های گروهی، ارتباط با گروه های فشار و صاحب نفوذ و بهره‌برداری از سرمایه اجتماعی مؤسسه از مشخصات بارز این نسل از اتاق های فکر می باشد. مرکز مطالعات استراتژیک و بین الملل (۱۹۶۲)، بنیاد هریتیج (۱۹۶۳) و مؤسسه کاتو (۱۹۷۷) نمونه هایی از اتاق فکر نسل سوم امریکا می باشند.

دوره چهارم: مخازن اندیشه میراث دار

جدیدترین نسل مخازن اندیشه آمریکا را مراکزی چون مرکز کارتر و مرکز نیکسون تشکیل می دهند که از سوی رؤسای جمهور سابق آمریکا و برای زنده نگه داشتن میراث سیاست خارجی یا داخلی شان تأسیس شده اند. این مخازن تلاش می کنند با انجام تحقیقات و انتشار نتایج آنها در برخی حوزه های سیاسی، دفاعی، امنیتی و غیره، در راستای اندیشه های مؤسس خود گام بردارند.^۲

از نظر ایدئولوژیک نیز اتاق های فکر ایالات متحده به دسته های مختلف تقسیم می شوند و از جریان های فکری و سیاسی خاص خود حمایت می کنند. در این چارچوب، مخازن اندیشه در واقع بازوی پژوهشی جریان های مذکور محسوب می شوند. مهم ترین کانون های فکری آمریکا در قالب گرایش سیاسی - فلسفی عبارتند از:

۱. محافظه کار: بنیاد هریتیج، مؤسسه اینترپرایز، مؤسسه هاجسون، مؤسسه هوور، مؤسسه منهتن، مرکز ملی تحلیل های امور سیاسی، بنیاد آزادی و پیشرفت.
۲. آزادیخواه یا اختیارگرا: مؤسسه کاتو، بنیاد ریزون.
۳. راست میانه رو: مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، بنگاه رند، مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی.
۴. میانه رو: مؤسسه میلکن، شورای روابط خارجی، میزگرد آزادی، مؤسسه استراتژی اقتصادی، مؤسسه سیاست عمومی، مؤسسه بیکر.
۵. چپ میانه رو: مؤسسه اربن، مرکز کارتر، مؤسسه بروکینگز، بنیاد آمریکای جدید، موقوفه کارنگی برای صلح بین المللی.

۶ مترقی: مرکز پیشرفت آمریکایی، مؤسسه سیاست عدالت، مرکز اطلاعات دفاعی، مؤسسه سیاست اقتصادی.^۳

هم چنین مخازن فکری ایالات متحده را بر اساس نوع عملکردشان می توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱. سازمان های تحقیق سیاسی که به شکل خاص روی تحقیقات تمرکز دارند؛
 ۲. سازمان های تحقیق و اجرا که علاوه بر تحقیقات و تحلیل های لازم، توصیه های سیاسی یا سیاست گذاری نیز ارائه می دهند؛

۳. سازمان های تحقیقاتی جناحی که تنها روی موضوعات مرتبط و مدنظر خود متمرکز هستند و اهداف و برنامه های حزبی خویش را پیش می برند.^۴

با لحاظ کردن معیار موضوعی نیز می توان اتاق های فکر آمریکایی را در چهار حوزه مستقل سیاست، اقتصاد یا تجارت، علمی - آکادمیک و ژورنالیسم و در مجموع در نه حوزه طبقه بندی نمود (نمودار ۲).

بیشتر اتاق های فکر در آمریکا ترکیبی هستند، بعد از آن مراکز پژوهشی آکادمیک سیاسی با ۲۰٪ فراوانی و مخازن اندیشه صرفاً سیاسی با ۱۵٪/۸ در رتبه سوم هستند که شورای روابط خارجی، موقوفه کارنگی و مؤسسه هاجسون جزو اتاق های فکر ترکیبی، بروکینگز، امریکن اینترپرایز و هوور در دسته اتاق های فکر آکادمیک سیاسی و بنیاد هریتیج و مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی بعنوان اتاق های فکر سیاسی می باشند (نمودار ۳).

طبق رتبه بندی انجام شده در سال ۲۰۱۰م، از ۲۵ اتاق فکر برتر دنیا در سال ۲۰۰۹م، ۱۶ اتاق فکر متعلق به ایالات متحده آمریکا هستند که مؤسسه بروکینگز، شورای روابط خارجی، موقوفه کارنگی، بنگاه رند و مؤسسه کاتو به ترتیب در جایگاه های اول تا پنجم قرار دارند.^۵

هم چنین طبق بررسی های دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۲۰۰۸، ۱۰ مؤسسه تحقیقاتی مهم سیاست خارجی آمریکا شامل بروکینگز، شورای روابط خارجی، کارنگی، رند، هریتیج، ویلسون، مطالعات استراتژیک و بین المللی، اینترپرایز، کاتو و هوور است (جدول ۳).

در ادامه مقاله نیز با انتخاب سه مؤسسه از مؤسسات پژوهشی فوق، به جایگاه خاورمیانه و به ویژه ایران در این اتاق های فکر پرداخته می شود:

۱. بنگاه رند

بنگاه رند یکی از موثرترین مراکز تحقیقاتی در حوزه سیاست گذاری و تصمیم گیری دولت ایالات متحده است. این موسسه، تحقیقات خود را در موضوعاتی چون مولفه های امنیت ملی آمریکا، سیاست خارجی، بررسی امور بین المللی، جهانی سازی و دموکراسی، مسایل حقوقی، تجارت و سرمایه گذاری اقتصادی و اقتصاد جهانی متمرکز نموده است. همچنین موسسه رند در بعد فراملی، اهداف خود را بر پایه بررسی بحران های بین المللی اقتصادی و راهبردهای جهانی آمریکا قرار داده و در این راستا، گزارش های راهبردی سالانه ای را منتشر می کند که به طور ویژه ای مورد توجه سیاستمداران کاخ سفید است به طوری که حتی برخی راهبردها و تحلیل های این موسسه، محور سیاست خارجی ایالات متحده قرار می گیرد. موسسه رند در تعیین سیاست های داخلی آمریکا هم، نقش قابل توجهی داشته و در زمینه های اقتصادی، نظام آموزشی، اجتماعی، تکنولوژی و فناوری، حمل و نقل و ... فعالیت پژوهشی دارد. رند در زمینه سیاست های دفاعی و نظامی ایالات متحده به طور ویژه ای فعال است.

در چشم انداز موسسه رند کمک به بهبود سیاست گذاری و تصمیم گیری از طریق تحقیق و تحلیل مورد توجه قرار گرفته است و بر این اساس، بیشتر دستاوردهای علمی و پژوهشی این موسسه در راستای تعیین سیاست های دفاعی و خارجی، راهبردهای سالانه، پروژه های بلند مدت، آینده پژوهی، گزارش های تحلیلی تدوین و تصویب می گردد.

موسسه رند دارای مجموعه ای از مراکز پژوهشی وابسته است که در حوزه های مختلف مطالعاتی، این موسسه را یاری می کنند. از جمله آنها مرکز سیاست عمومی خاورمیانه می باشد. وظیفه این مرکز، تجزیه و تحلیل مسائل خاورمیانه و مقابله با چالش ها و مشکلات آمریکا در این منطقه است. اهداف پژوهش های آن عبارتند از:

۱. حمایت از اصلاحات سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه
۲. ترویج درک متقابل بین مردم خاورمیانه و ایالات متحده
۳. تشویق حل مسالمت آمیز مناقشات در خاورمیانه
۴. برنامه های مربوط به کمک به جوانان در خاورمیانه

مطالعات کنونی و آینده نگر مرکز سیاست عمومی خاورمیانه، شامل کمک به موفقیت سیاست خارجی در قبال فلسطین، حمایت از شبکه های سکولار و لیبرال مسلمان، تقویت خاورمیانه و مطالعات اسلامی در آمریکا، گذر به دموکراسی در خاورمیانه و پشتیبانی از کودکان جنگ در عراق و افغانستان است.

یکی از طرح های راهبردی این مرکز، طرح ابتکاری برای جوانان خاورمیانه می باشد که به دنبال درک بهتر موضوعات پیچیده و مؤثر بر نسل جوان خاورمیانه است. این موسسه در اوائل دهه ۹۰، در تصویب و اجرای سند راهنمای دفاعی آمریکا نقش قابل توجهی داشت که دکترین برتری نظامی آمریکا را در منطقه راهبردی خاورمیانه پیشنهاد داد. بر اساس این دکترین پیشنهادی موسسه رند بود که ایالات متحده چتر نظامی خود را در حوزه خلیج فارس پهن نمود و شاید بتوان گفت که شورای همکاری خلیج فارس به همین منظور تشکیل شد.

موسسه رند در طراحی پروژه قرن جدید آمریکایی در سال ۱۹۹۷ نقش قابل توجهی برعهده گرفت، به طوری که با به قدرت رسیدن بوش پسر در سال ۲۰۰۰، این موسسه در اجرایی شدن این طرح از سوی نومحافظه کاران کاخ سفید جایگاهی اساسی داشت. حتی به نظر می رسد طرح اصلی حمله و لشکرکشی آمریکا به عراق و افغانستان از سوی موسسه رند پیشنهاد گردیده است.

از پژوهشگران ارشد رند می توان فرانسیس فوکویاما، آلوین تافلر، جرال گرین، علیرضا نادر، فردریک وری، رسول نفیسی، دیوید تالر، جریل بنارد، شهرام چوبین و رابرت هانتز را نام برد.

بنگاه رند از ابتدای سال ۲۰۰۰م تاکنون (۲۰۱۱-۲۰۰۰)، ۴۳۳ محصول را در قالب های کتاب، تک پژوهشی، گزارش، تفاسیر، مقالات موضوعی، یادداشت های الحاقی و خلاصه های کنفرانس و ... با موضوع خاورمیانه منتشر کرده است (نمودار ۴).

از آنجا که بعد از فروپاشی کمونیسم، اسلام به عنوان جدی ترین تهدید جهان غرب لحاظ شده، موسسه رند تحقیقات راهبردی گسترده ای را درخصوص مقابله با جهان اسلام و ایران به عنوان کانون اسلام انقلابی، در دستور کار خود قرار داد. بر اساس جستجوی صورت گرفته در پایگاه اینترنتی بنگاه رند، ۸۳۶ پژوهش با موضوعات مرتبط با ایران بوده است. به طوری که در فاصله سال های ۲۰۰۰م تاکنون، تعداد ۳۹۰ محصول منتشر شده است (نمودار ۵).

برای درک عینی بحث، به معرفی خلاصه ای از مهم ترین کتاب های شرکت رند با موضوع ایران می پردازیم:

مرکز مطالعات سیاسی خاورمیانه موسسه رند، در سال ۲۰۰۷، طرحی راهبردی برای مقابله با جهان اسلام تحت عنوان «ایجاد شبکه ای از مسلمان میانه رو» را به سیاستمداران کاخ سفید ارائه داد که به طور جدی از سوی مقامات کاخ سفید در جوامع اسلامی خاورمیانه پیگیری می شود. نویسندگان این اثر در ۱۰ فصل، با پذیرش لزوم تقسیم مسلمانان به افراطی یا رادیکال و میانه رو در پی ارائه راهبردهایی جهت تقویت شبکه های مسلمانان میانه رو در جهان اسلام هستند. در این کتاب، دموکراسی خواهی، پذیرش منابع غیرمذهبی قانون، احترام به حقوق زنان و اقلیت ها و مخالفت با تروریسم و خشونت نامشروع به عنوان ویژگی های مسلمانان میانه رو در جهان اسلام ذکر شده است. هم چنین آمده است دانشگاهیان و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار، پژوهشگران مذهبی میانه رو جوان، فعالان جامعه، گروه های زنان که برای تساوی جنسیتی مبارزه می کنند و روزنامه نگاران و نویسندگان میانه رو از شرکای آمریکا در این شبکه می باشند که بایستی برنامه های حمایتی شامل آموزش دموکراتیک، حمایت از رسانه های میانه رو، تساوی جنسیتی و حمایت از سیاست میانه روها باشد.^۶

کتاب *روحانیت، پاسداران و بنیادها* با استناد به شرایط داخلی و منطقه ای ایران و با اشاره به افزایش نفوذ این کشور در عراق و دیگر کشورهای منطقه، خاطر نشان می سازد که با توجه به نبود روابط رسمی بین ایران و آمریکا، توانایی واشنگتن برای ارزیابی دقیق میزان چالش های ایجاد شده از سوی ایران محدود است. این کتاب توصیه می کند با توجه به مبهم بودن فرآیند تصمیم گیری در ایران، سیاست مداران آمریکایی به منظور دفاع از منافع آمریکا در برابر ایران، باید هم شخصیت های تعیین کننده در ایران را بهتر بشناسند و هم سازوکاری برای تفسیر سخنان و رفتارهای مقام های این کشور داشته باشند.^۷

کتاب *آسیب پذیری های سیاسی، جمعیتی و اقتصادی ایران*، حاوی شش فصل و شامل مطالب توصیفی درباره نظام جمهوری اسلامی ایران و قوای مجریه، مقننه و قضائیه این کشور بوده و کوشش کرده است به طور اجمال به وضع سیاسی، اقتصادی، جمعیتی، قومی و نژادی و

مذهبی ایران پرداخته و تحولات و دگرگونی های داخلی را برای خوانندگان خود خلاصه کند. ولی آنچه در این گزارش عمداً از آن صحبت نشده است توانایی نظامی، دفاعی و تسلیحاتی کنونی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و به طور کلی در سطح ملی و داخلی است.

جالب تر از همه این است که آنچه در این سند مشاهده نمی شود، قوی بودن و مشروعیت و مقبولیت نظام و محبوبیت و حمایت عمومی از مسائلی چون توسعه فن آوری انرژی هسته ای است. گزارش تأکید می کند که بعد از عراق و افغانستان ایران بیش از همه مورد توجه سیاستگذاران و سیاست گذاری امریکا است. هدف این گزارش طبق اظهار مؤلفان آن، دو نکته بوده است؛ یکی جستجو و پیدا کردن راه و شیوه های مختلف برای نفوذ در تغییر رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران و دیگری بررسی و ارزیابی عواقب ضربه یا حمله فرضی نظامی امریکا به ایران.

این گزارش نتیجه گیری کرده که حمله فرضی امریکا به ایران عواقب تلخی را برای امریکا به همراه خواهد داشت. در مورد مؤثرترین روش نفوذ آمریکا در ایران، گزارش بر فعالیت های فرهنگی، تبلیغاتی، رسانه ای و سیاسی اشاره می کند و تحریم اقتصادی، به ویژه جلوگیری از انتقال فن آوری تبدیل گاز خام به گاز مایع را برای فشار مالی به ایران لازم می شمارد. این گزارش مهمترین نکات آسیب پذیر ایران را مسائلی مربوط به تورم، مسکن، اشتغال، ضعف و فساد اداری و افزایش نارضایتی بین طبقات متوسط و پائین و به ویژه جوانان ذکر می کند، مسائلی که اهمیت آنها هم از نظر مردم که تحت فشارند و هم از نظر مسئولان نامعلوم نیست.^۸

کتاب *خطرناک/ اما نه قادر مطلق* عنوان پژوهش دیگری با موضوع بررسی محدوده های قدرت ایران در خاورمیانه می باشد که در می ۲۰۰۹ منتشر گردیده است. در این کتاب آمده است: تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه ای یکی از بزرگ ترین چالش های سیاست خارجی امریکا خواهد بود. امریکا نیز باید نقش و نفوذ ایران در منطقه را به رسمیت بشناسد و با این کشور در حل مسائل منطقه تعامل کند و درعین حال مانع آنچه فعالیت های بی ثبات کننده ایران در منطقه نامیده، گردد. اگر امریکا به ایران فقط به عنوان یک تهدید بنگرد و درصدد انزوای این کشور باشد این مسئله در جهت منافع امریکا در منطقه نخواهد بود.

استراتژی امریکا باید ترکیبی از بازدارندگی و تعامل با ایران باشد. اگر امریکا این استراتژی را درقبال ایران بکار گیرد احتمال موفقیت و نتیجه بخش بودن این استراتژی زیاد خواهد بود. در این گزارش توصیه می شود که فشار یکجانبه امریکا بر تهران کاهش یافته و همزمان تحریم های چندجانبه افزایش یابد.

همچنین براساس این گزارش باید در مسائل امنیت منطقه ای با ایران همکاری شود، اگرچه امید به مؤثر بودن مذاکرات دوجانبه امریکا و ایران برای ایجاد تغییر در رویکرد تهران غیرواقع گرایانه بوده اما درعین حال باید از تلاش های گسترده بین المللی شامل تشویق و تنبیه، بسته به واکنش ایران حمایت شود.

این گزارش، سیاست کنونی در رابطه با ایران را با سیاست بازدارندگی در زمان جنگ سرد مقایسه نموده و شکست این سیاست را به خاطر عدم آشنایی واشنگتن در احتساب ویژگی های ژئوپلیتیک منطقه و فرهنگ استراتژیک ایران می داند.

در این سند گفته می شود: هرچند سیاست برپایه همکاری های دوجانبه جذاب تر می باشد، اما این واقع گرایانه نیست و تلاش برای برافروختن موج اختلافات داخلی در کشور و اختلاف افکنی در فراکسیون های مختلف، به احتمال زیاد علیه واشنگتن خواهد بود، زیرا امریکا درک محدودی از پراکندگی نیروها در ایران و امکانات حکومت ایران برای استفاده از چنین دخالت هایی برای دریافت امتیازات بیشتر دارد.

درعین حال در این کتاب پیشنهاد شده است که در رابطه با ایران فشار از سوی جامعه جهانی بکار رود، همزمان لحن و سیاست تند و یکجانبه گرایانه امریکا در رابطه با ایران ملایم گردد. علاوه بر آن توضیح داده شده است که نبود واکنش ایران نسبت به پیشنهاد امریکا برای مذاکره دوجانبه تاحدی نتیجه فراکسیونی بودن حکومت ایران است و نیز اینکه فراکسیون های رقیب اغلب از مسائل مربوط به سیاست خارجی استفاده می کنند تا یکدیگر را خراب کرده یا از رقبای خود سبقت بگیرند.

در کل براساس این گزارش، چهار توصیه اساسی به دولت اوپاما عبارتند از:

۱. اعمال فشارهای چندجانبه فزاینده بر اهداف و فعالیت های هسته ای ایران در کنار کاهش فشارهای یکجانبه امریکا؛

۲. پیگیری مذاکرات دوجانبه بین ایران و امریکا درباره حوزه های دارای منافع مشترک مانند ثبات در عراق و افغانستان، مبارزه با قاچاق موادمخدر و امدادسانی در بحران های انسانی؛

۳. صدور بیانیه های شفاف و غیرمبهم درباره اهداف و نیت امریکا در منطقه؛

۴. ورود در عرصه و ایجاد چارچوب همکاری جویانه و چندجانبه گرایانه امنیت منطقه ای که دربرگیرنده ایران است و نسبت به نیازهای دوستان و متحدین منطقه ای امریکا حساس می باشد.^۹

کتاب *برآمدن پاسداران* توسط مرکز سیاست گذاری امنیتی مؤسسه ای تحقیقات دفاعی رند تهیه شده است. این کتاب در هفت فصل درباره ی رشد و پیشرفت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آغاز تشکیل تاکنون می باشد که در سال ۲۰۰۹ (م)، ۱۳۸۷ (هش)، به چاپ رسیده است. در این کتاب تاریخچه تشکیل سپاه، عملکرد آن در دوران های جنگ، سازندگی، اصلاحات، دولت محمود احمدی نژاد و حضور آن در بخش های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بررسی شده است.^{۱۰}

۲. مؤسسه بروکینگز

دومین اتاق فکر مهم آمریکا، موسسه بروکینگز است که نقشی تأثیرگذار در تبیین سیاست های خارجی کاخ سفید، تأمین کننده مشاورین شورای امنیت ملی، وزارت خارجه و وزارت دفاع و همچنین معرفی کننده افراد برای تصدی مسئولیت های متعدد در دولت های مختلف آمریکا برعهده دارد. بروکینگز چنان از اهمیت ویژه ای در پرورش انگاره های جدید برای تصمیم سازی در شبکه قدرت ایالات متحده آمریکا برخوردار است که نشریه فارین پالیسی در سال ۲۰۰۹ از موسسه بروکینگز به عنوان برجسته ترین اتاق فکر دنیا نام می برد.

بروکینگز نخستین بار در سال ۱۹۶۱ با عنوان موسسه مطالعات دولتی شروع به کار کرد و هدفش این بود که به عنوان اولین موسسه خصوصی در تجزیه و تحلیل سیاست های عمومی در سطح کلان وارد حوزه سیاسی آمریکا شود. بنیانگذار آن، رابرت.س. بروکینگز توانست با تلفیق سه موسسه مطالعات دولتی، موسسه اقتصاد و کالج رابرت بروکینگز (وابسته به دانشگاه واشنگتن در سنت لوییس) در سال ۱۹۲۷، موسسه بروکینگز را پایه گذاری کند.

با آمدن جرج بوش به کاخ سفید، بروکینگز به عنوان یکی از مهم ترین کانون های فکر نقش

ویژه‌ای را در تبیین و شکل‌گیری سیاست‌های خارجی دولت بوش داشت، به طوری که در این زمان، بروکینگز که در اوج تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا قرار داشت، به توسعه خود پرداخت و چندین مرکز مطالعاتی را در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را تا سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی کرد که مرکز برنامه‌ریزی خاورمیانه سابان، مرکز ایالات متحده و اروپا، مرکز سیاست‌های عمومی بروکینگز-تسینگوا، مرکز تصمیم‌سازی آموزش براون، مرکز آموزشی جهان، مرکز شهری تصمیم‌سازی، مرکز مطالعات تصمیم‌سازی، آسیای شمال شرق، مرکز پویایی اجتماعی و اقتصادی از آن جمله بودند.

مرکز سابان برای سیاست خاورمیانه در سال ۲۰۰۲م توسط ملک عبدالله دوم از پادشاهی اردن و با سرمایه ۱۳ میلیون دلاری تاجر برجسته لس‌آنجلسی؛ حییم سابان، در واشنگتن دی.سی ایجاد شد. با اضافه شدن این مرکز، مؤسسه بروکینگز به سرعت به یکی از مراکزی با بیشترین پویایی برای تحقیق و تحلیل سیاست آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد.

مرکز سابان تحت ریاست و مدیریت کنت ام. پولاک، تحقیقات و نشست‌هایی را درباره مشکلات امروز ایالات متحده در خاورمیانه ترتیب داده است. دکتر پولاک کارشناس علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از جمله افرادی است که روی مسائل ایران تمرکز دارد. وی در خصوص عراق نیز مطالعاتی را انجام داده است.

مرکز سابان با اعضای متخصص در مسائلی مانند تغییر رژیم، صلح فلسطینی-اسرائیلی، روابط ایالات متحده با جهان اسلام و ایران فعالیت می‌کند. که بعنوان بخش مکمل برنامه مطالعاتی مرکز سیاست خارجی، محلی را برای همه دانشمندان مؤسسه بروکینگز جهت انجام تحقیقاتی مربوط به خاورمیانه فراهم کرده است.

سابان، ۱۶ کارشناس ثابت و در مجموع ۴۵ محقق دارد. از محققان ارشد مرکز سابان می‌توان به افرادی نظیر مارتین ایندایک، بروس ریدل، سوزان مالون، مایکل اهانلون و دانیل بایمن اشاره داشت. دستاورد این مرکز در حوزه خاورمیانه طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰، ۳۱۸۵ محصول بوده است (نمودار ۶). هم‌چنین ۱۴۴۶ محصول با موضوعات مرتبط با ایران در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱م منتشر گردیده است (نمودار ۷).

برای شناخت بهتر میزان تأثیرگذاری راهبردهای پیشنهادی مرکز سابان در حوزه تصمیم‌سازی کاخ سفید خصوصاً در سیاست خاورمیانه ای آمریکا، در ادامه به ذکر چند نمونه راهبردهای پیشنهادی مرکز به حوزه تصمیم‌گیری ایالات متحده که محور عملکرد دولت‌های مختلف واشنگتن در آمد و اجرایی شد، بسنده می‌کنیم.

سیاست *مهاردوگانه* در اواخر می ۱۹۹۳ (خرداد ۱۳۷۲) توسط مارتین ایندایک، مسئول وقت امور خارجه در شورای امنیت ملی و از اعضای فعلی و با نفوذ مؤسسه بروکینگز در اجلاس سالانه مؤسسه واشنگتن برای مطالعه سیاست خاور نزدیک مطرح و در دستور کار کاخ سفید قرار گرفت. این سیاست بیانگر یکی از استراتژی‌های حاصله از اتاق‌های فکر آمریکایی در برابر ایران به منظور مهار و در نهایت منزوی ساختن آن بود که در دستورالعمل ریاست جمهوری به شماره ۱۲۹۵۷ مورخ ۱۸ مارس ۱۹۹۵ م، قرار گرفت.

همچنین سابان به فاصله چند روز قبل از برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران، گزارش راهبردی با عنوان *کدام راه به سمت ایران* را به کاخ سفید ارائه می‌دهد که در آن تهاجم نرم و برپایی انقلاب مخملی به عنوان عملی‌ترین راهکار برای براندازی جمهوری اسلامی معرفی شده بود.^{۱۱}

جفری بیدر یکی دیگر از پژوهشگران ارشد مؤسسه بروکینگز، معاون ویژه رئیس‌جمهور و مدیر ارشد امور آسیا و خاورمیانه شورای امنیت ملی آمریکا است. فعالیت‌های وی در همراه‌سازی پکن با اعمال تحریم‌های ائتلافی و جهانی به‌ویژه در بخش انرژی متمرکز است. بهره‌گیری از موضوع تایوان به عنوان یک اهرم فشار یا مجاب‌سازی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس برای تأمین انرژی چین برخی شیوه‌های جفری بیدر برای همراه‌سازی پکن با اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران است.^{۱۲}

۳. شورای روابط خارجی

شورای روابط خارجی یکی از مهم‌ترین کانون‌های فکری تصمیم‌ساز در ایالات متحده است که علاوه بر تدوین و مدیریت سیاست‌های خارجی کاخ سفید، راهبردهای جهانی را هم‌پی‌ریزی

می‌کند به طوری که برخی آن را وزارت خارجه واقعی این کشور توصیف می‌کنند. این شورا مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی و بدون وابستگی جناحی و حزبی. این مؤسسه سیاسی متخصص در امور سیاست خارجی و امور بین‌الملل واشنگتن بوده که از منظر مداخله‌گرایانه در امور مربوطه، مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کند. مقر این مؤسسه در شهر نیویورک می‌باشد به اضافه دفتر دیگری در شهر واشنگتن دی.سی.

شکل‌گیری این ائتاق فکر به سال ۱۹۲۱ باز می‌گردد و این سابقه حاکی از تجربه قابل توجه آن در زمینه سیاست خارجی ایالات متحده و مسائل بین‌المللی است. شورای روابط خارجی مالک نشریه معروف *امور خارجی* است. نشریه دوم این شورا با نام *ارتباط و موضوع فرهنگ و جامعه بین‌المللی* به مدیر مسئولی و سردبیری الکساندر استیل می‌باشد که دوبار در سال منتشر می‌گردد.

اهم اهداف شورا شامل، تبیین عقاید و نظریات جدید برای ایجاد جهانی امن تر، ارائه طرح‌ها و برنامه‌های نوین در مورد سیاست خارجی آمریکا (امنیت ملی، سیاست اقتصادی خارجی)، پرورش نسل آینده رهبران، محققان و اندیشمندان سیاست خارجی و بهره‌بردن از تخصص‌ها، مهارت‌ها و تجارب رهبران جهانی می‌شود که برای تحقق این اهداف به پژوهش، برگزاری جلسات مباحثه و مناظره، چاپ کتب، نشریات و مقالات و اجرای برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با حضور کارشناسان و متخصصان می‌پردازد.

با مطالعه تاریخ این شورا متوجه می‌شویم که افرادی چون سیاستمداران عالی رتبه، اکثر وزرای امور خارجه، افسران سابق امنیت ملی، بانکداران، حقوقدانان و وکلا، اساتید دانشگاه، اعضای سابق سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) و افراد متخصص در امور رسانه‌های جمعی از دیرباز عضو این شورا بوده‌اند. هفت رئیس جمهور آمریکا در این مؤسسه سخنرانی و به ارائه دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به بیل کلینتون و جورج بوش پسر اشاره نمود.

امروزه شماره اعضای این شورا به ۵۰۰۰ نفر می‌رسد که سنی در حدود ۳۰ الی ۴۰ سال دارند. در شمار شناخته شده‌ترین اعضای شورای روابط خارجی می‌توان به آیزنهاور، جرالدفورد، ریچارد نیکسون، جان اف کندی، رابرت مک نامارا، دیوید راکفلر، کاسپار واینبرگر، ریچارد

هالبروک، ساموئل هانتینگتون، رابرت گیتس، به علاوه ۱۲ تن از وزیران خارجه آمریکا و در شمار آنها، جک فاستر دالس، دین راسک، هنری کیسینجر، مادلین آلبرایت و کالین پاول اشاره کرد. شورای روابط خارجی در بخش دفاعی موضوعاتی چون مطالعات تجارت نظامی آمریکا، حفاظت از زرادخانه اتمی، توسعه کارخانه تسلیحات نظامی، امنیت سایبری، تهیه و تقاضای اورانیوم جهانی و تعیین سیاست های نظامی آمریکا و بودجه های نظامی و ... را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۶۳

این تشکیلات پیچیده و بسیار تأثیرگذار که بیانگر آرا و تمایلات بخش بسیار متعددی از مدیران تجارت جهانی است، با هدف تصمیم سازی در مسائلی همچون اقتصاد، دارایی و تجارت، انرژی، منابع و محیط زیست، جهانی سازی، حکومت و حقوق بشر، امنیت داخلی، حقوق بین الملل، رسانه های گروهی و افکار عمومی، امنیت ملی و دفاعی، جنگ و صلح، علم و تکنولوژی، مسائل اجتماعی و فرهنگی، تروریسم و سیاست آمریکا تمرکز مطالعاتی دارد.

شورای روابط خارجی در پانزده سال اول موجودیت خود توانست به عنوان یک نهاد مهم و با نفوذ از مجموع سیاست مداران کارکشته و مدیران بنگاه های بزرگ تجاری غربی در شکل دهی مطالعاتی آمریکا در مباحث دائمی امور بین الملل و تدوین سیاست های خارجی آمریکا تثبیت گردد. با اوج گیری حوادث جنگ جهانی دوم و پس از آن، شورا موفق به ایجاد مطالعات جنگ و صلح گردید و با کمیته مشورتی وزارت خارجه ادغام شد. همچنین کمیته های روابط خارجی را بنا نمود تا به واسطه آنها مسائل و سیاست های کلان سیاست خارجی آمریکا بررسی و اجرایی گردد. در این مقطع شورا در بخش بعدی عملکرد خود شروع به ترسیم طرح عرصه بزرگ نمود. این طرح در خلال سال ۱۹۴۱ در جهت تمهیدی مقدماتی برای مقابله با وضعیت اضطراری بعد از جنگ بود. البته هدف اصلی این طرح ایجاد اقتصاد جهانی تحت سلطه آمریکا بود و لذا بعد از جنگ، شورای روابط خارجی به منظور بنای یک اقتصاد یکپارچه جهانی قدم نهاد. در راستای این هدف، شورا در اولین گام های خود نیاز به ایجاد ارگان های بین المللی را ضروری دید. به طوری که طرح ایجاد سازمان ملل مربوط به شورای روابط خارجی است که از طریق کمیته سری هدایت کننده که به وسیله هال وزیر امور خارجه وقت در ژانویه ۱۹۴۳ تأسیس شد، عملی گشت.

همچنین با پیشنهاد شورا، کاخ سفید برای تضمین عملکرد مناسب سیستم اقتصادی جهانی، با حمایت وزارت خزانه داری آمریکا، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را در سال ۱۹۴۴ تأسیس کرد تا در طرح عرصه بزرگ، اقتصاد واحد جهانی تحت حاکمیت ایالات متحده آمریکا گسترش یابد. از این زمان به بعد، شورای روابط خارجی با کمک مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی خود، سیاست ها و راهبردهای کاخ سفید را طرح ریزی و مدیریت نمود. به طوری که از تعیین روسای جمهوری و مقامات کلیدی کاخ سفید گرفته تا تعیین خط مشی های سیاسی و اقتصادی جهانی همگی در اختیار شورای روابط خارجی بود.

شورای روابط خارجی در طول دهه ۸۰ ضمن اتخاذ دکترین سیاست بازدارنده و مهار کمونیسم، تلاش کرد زیرساخت های لازم برای استقرار آمریکا در خاورمیانه به عنوان قدرت برتر بعد از خروج بریتانیا را ساماندهی کند. به طوری که حمله عراق به ایران، تقویت روابط استراتژیک با دولت عربستان سعودی از جمله مهم ترین راهبردهای شورا بود که صورت گرفت.

در دهه ۹۰، شورای روابط خارجی با تأسی از طرح راهبردی برخورد تمدن ها^(۱) که از سوی ساموئل هانتینگتون ارائه شده بود، تلاش کرد با ارائه راهبردهای مشخص سمت وسوی تحولات بین المللی را در جهت هژمونی ایالات متحده هموار سازد که جنگ دوم خلیج فارس و ورود نظامی آمریکا به این منطقه، گسترش ناتو به سمت شرق، مداخله در بحران های جهانی از جمله سومالی، بحران بالکان و... در این راستا صورت گرفت.

با ورود به قرن بیست و یکم مغزهای متفکر شورا، دکترین خاورمیانه بزرگ را اجرا نمودند که حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله به عراق و افغانستان، پروژه بین المللی تروریسم اسلامی، ترویج الگوی لیبرال دموکراسی در منطقه، بخش های مهمی از این دکترین بود که اجرا شد.

رئیس کنونی شورا، ریچارد هاس است که از جولای ۲۰۰۳ تاکنون در این سمت مشغول به کار است. وی پیشتر مدیر برنامه ریزی سیاسی در وزارت خارجه آمریکا و از نزدیک ترین مشاوران وزیر خارجه سابق، کالین پاول بوده است. او همچنین دستیار ویژه جورج بوش پدر و مدیر بخش

1. The Clash of Civilization.

خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی بود. وی دارای درجه دکترای فلسفه از دانشگاه آکسفورد و نویسنده ۱۱ کتاب در رابطه با سیاست خارجی می باشد.

دکتر هاس در مقاله ای در نوامبر ۲۰۰۶. با عنوان *خاورمیانه جدید* اعلام کرد که عصر سلطه آمریکا در خاورمیانه به پایان رسیده و دوره جدیدی در تاریخ معاصر منطقه آغاز شده است. ریچارد هاس می افزاید: آنچه به عمر این دوره پایان بخشید، عوامل چندگانه ای بود که عبارتند از: تصمیم دولت بوش برای حمله به عراق در سال ۲۰۰۳. و اشغال این کشور، شکست روند صلح خاورمیانه، شکست و ناتوانی رژیم های عرب سنتی برای مقابله با بنیادگرایی و جهانی شدن و تغییرات حاصله از آن. به گفته وی، خاورمیانه جدید را بازیگران و نیروهای جدیدی شکل خواهند داد که برای اعمال نفوذ و سلطه بر آن با هم در رقابت هستند و واشنگتن باید بیش از نیروی نظامی خود بر دیپلماسی اتکا کند. بر این اساس، فرصت نخست این است که آمریکا باید بیش از پیش در امور خاورمیانه با ابزارهای غیرنظامی مداخله کند. فرصت دوم که نباید از آن غافل ماند، این است که آمریکا باید حتی الامکان خود را در برابر بی ثباتی منطقه مصون نگه دارد. این امر مستلزم آن است که مصرف نفت آمریکا و وابستگی این کشور به منابع انرژی خاورمیانه کاهش یابد و بهترین راه برای تحقق این اهداف، کاستن از تقاضاست.^{۱۳}

ولی رضا نصر عضو شورای روابط خارجی آمریکا و از محققان معروف این مؤسسه که بعضاً مشورت هایی را با رایس وزیر امور خارجه سابق آمریکا در موضوع ایران داشته است، طی چند سال اخیر در کتاب ها و مقالات خود توجه دولت بوش را به قدرت غیرقابل چشم پوشی شیعیان در جهان و خاورمیانه جلب کرد و خواستار کنار آمدن کاخ سفید با جمهوری اسلامی و درک آن به عنوان یک قدرت منطقه ای شده است. او در کتاب خود با عنوان *حیای شیعه* می نویسد: بزرگ ترین تحول در عراق آن بود که اکثریت شیعه این کشور که تا زمان سقوط صدام حسین به هیچ وجه قدرت را در اختیار نداشتند، هم اکنون بیشتر پست های مهم را در اختیار دارند. تغییرات مشابهی نیز در سطحی گسترده تر، از لبنان تا آسیای میانه در حال شکل گیری است؛ حاکمیت بر اسلام شیعی، دیگر حق انحصاری ایران و فارس ها نیست. قدرت شیعه از ایران و عراق به عربستان سعودی، کشورهای حوزه خلیج فارس و پاکستان و به علت حضور حزب الله، به لبنان

گسترش یافته و شکلی فراملی به خود گرفته است. آمریکا باید بپذیرد که ایران در حال ایفای نقش یک قدرت منطقه ای است و باید به جای تلاش برای سرنگونی رژیم تهران، با آن کنار آمده و مذاکره با رهبران ایران آغاز کند. ایران را اکنون با رهایی از تهدید طالبان و صدام، به کانون احیای تشیع تبدیل شده که با جدیت به دنبال دستیابی به انرژی هسته ای و شناسایی بین‌المللی منافع خود است.^{۱۴}

از افرادی که در دولت آمریکا حضور داشته و تعامل نزدیکی را با مرکز پژوهشی شورای روابط خارجی دارند، می‌توان به گری سیمور، دانیل گلاسر، رابرت اینهورن و پانیت تالوار اشاره داشت که از طراحان و حامیان تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده بر ضد جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. گری سیمور، معاون ویژه رئیس جمهوری آمریکا و هماهنگ کننده کاخ سفید در حوزه کنترل سلاح، تسلیحات کشتار جمعی، منع تکثیر و تروریسم است. به طوری که بین سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۱ م. مدیر مطالعات منع تکثیر و از پژوهشگران ارشد این مرکز مطالعاتی بوده است.^{۱۵}

گری سیمور در میزگردی با عنوان *نحوه پاسخ آمریکا به برنامه هسته ای ایران* مورخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ (۱۹ آذرماه ۱۳۸۹) با میزبانی مرکز پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی، مدعی شد یکی از شیوه‌های جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد برنامه هسته ای، فرسایشی نمودن رایزنی با گروه ۵+۱ است. به همین منظور وی خواستار تداوم و گسترش چتر تحریم‌های مضاعف به منظور وادارسازی جمهوری اسلامی ایران برای پذیرش طرح معاوضه سوخت هسته ای ژنو شد که در آن روسیه و فرانسه نقش محوری را برای تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران برعهده می‌گیرند.^{۱۶}

دانیل گلاسر معاون وزیر دارایی در امور مبارزه با جرائم مالی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی یکی دیگر از معماران گسترش تحریم‌های ائتلافی در ارتباط با شورای روابط خارجی است. اثرگذاری گلاسر بر سیاست‌های تحریمی یکجانبه ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران به حدی است که ایهود باراک بخشی از برنامه سفر خود به ایالات متحده در می ۲۰۰۹ م. را برای رایزنی با وی اختصاص داده بود.^{۱۷}

رابرت اینهورن نیز از افرادی است که تعامل نزدیکی را با این شورا دارد. اینهورن - مشاور ویژه وزیر امور خارجه آمریکا در امور تکثیر تسلیحات کشتار جمعی و کنترل تسلیحات - یک روز پس

از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۰ م، از طرف هیلاری کلینتون به عنوان هماهنگ کننده تحریم های مرتبط با ایران و کره شمالی منصوب شد.^{۱۸}

پانیت تالوار از دیگر دولتمردان آمریکایی مرتبط با شورای روابط خارجی است. وی معاون ویژه رئیس جمهور و مدیر ارشد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، ایران و عراق است. برای مثال نگارش کتاب *ایران در توازن* توسط بخش امور بین الملل شورای روابط خارجی انتشار یافته است. وی در این کتاب اتخاذ دو راهکار مدیریت تحریم های هوشمند و حمایت از اصلاح طلبان ساختارشکن درون حکومت را دو شیوه مؤثر برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده است.^{۱۹}

در مجموع ۳۷۹۸ پروژه با موضوع خاورمیانه، دستاورد محققان و پژوهشگران شورای روابط خارجی آمریکا طی دهه اول قرن ۲۱ بوده است (نمودار ۸).

۷۶۲ محصول نیز طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ م در خصوص موضوعات مرتبط با ایران از سوی شورای روابط خارجی آمریکا منتشر گردیده است (نمودار ۹).

نتیجه گیری

در پاسخ به پرسش این مقاله؛ اولاً روش های تاثیرگذاری مخازن اندیشه در ایالات متحده آمریکا را می توان شامل موارد زیر دانست:

- چارچوب بندی مسائل: در این روش، مخزن اندیشه تلاش می کند با طرح مسائل مورد نظر خود، آن ها را در دستور کار دولت یا کنگره قرار دهد و با بحث و بررسی های آتی بر دیدگاه دولت یا کنگره در زمینه مسائل مذکور تأثیر بگذارد.

- ارائه اطلاعات و تحلیل: چارچوب بندی مسائل ارتباط تنگاتنگی با ارائه اطلاعات و تحلیل دارد. از آنجا که اعضای کنگره یا دولت از وقت کافی برای مطالعه و تحقیق مسائل برخوردار نیستند، مخازن اندیشه این کار را برعهده گرفته و در کنار اطلاعات سعی می کنند تا با تحلیل های جانبدارانه، اهداف یا دیدگاه های خود را در سیاست گذاری های مربوطه پیاده سازند.

- رصد کردن روند سیاسی و نشان دادن واکنش در صورت لزوم: پی گیری روندهای سیاسی

اتخاذ شده از سوی دولت یا کنگره در کنار چارچوب بندی مسائل و ارائه اطلاعات و تحلیل از مهم ترین روش های تاثیر گذاری مخازن اندیشه می باشد.

- حضور در دولت یا کنگره: از دیگر روش های مهم تاثیر گذاری مخازن اندیشه، تأمین بدنه کارشناسی حکومت از سوی آنهاست. کارشناسان مخازن اندیشه اغلب از طریق پذیرش مسئولیت در کابینه یا دیگر سازمان های اجرایی فدرال، ایفای نقش مشاور در گروه های انتخاباتی، گروه های انتقالی و هیأت های مشاوره کنگره یا ریاست جمهوری، حضور در کارگاه ها یا سمینارهای دستگاه های اجرایی فدرال به عنوان استاد یا کارشناس و تهیه و ارائه گزارش های ویژه در زمینه موضوعات مدنظر کنگره یا دولت؛ به شکل مستقیم در سیاست و سیاست گذاری های دولت و کنگره دخالت کرده و دیدگاه ها و اهداف خود را دنبال می کنند (۲۰).

به کارگیری روش های فوق به اتاق های فکر آمریکا امکان داده تا برخلاف همکاران خود در دیگر کشورها، در سیاست گذاری های دولت و کنگره و روند اجرایی آنها از یک سو و شکل دهی به افکار عمومی جامعه در زمینه مسائل مختلف تاثیر چشمگیری داشته باشند. در پاسخ به دومین پرسش می توان گفت میزان تاثیر مخازن اندیشه منتخب در این پژوهش، به قرار زیر است:

- در سراسر جهان ۶۹۷۶ اتاق فکر وجود دارد.
- از این تعداد، ۱۹۱۳ مخزن اندیشه در ایالات متحده و ۱۷۷۲ مورد در اروپای غربی و ۱۲۱۰ مورد در آسیا فعالیت می کنند.
- بیشترین مؤسسات فکری ایالات متحده به ترتیب در واشنگتن دی سی، ماساچوست و کالیفرنیا واقع شده اند.
- بر اساس آخرین رتبه بندی مخازن اندیشه، مؤسسه بروکینگز، شورای روابط خارجی، موقوفه کارنگی برای صلح بین المللی، بنگاه رند و مؤسسه کاتو در جایگاه اول تا پنجم قرار دارند.
- بیشترین محصول در حوزه خاورمیانه متعلق به شورای روابط خارجی با ۵۱ درصد فراوانی، مؤسسه بروکینگز با ۴۳ درصد و بنگاه رند با ۶ درصد فراوانی می باشد (نمودار ۱۰). بنابراین جهت پیش بینی استراتژی خاورمیانه ای کاخ سفید، اهمیت شورای روابط خارجی بسیار واضح است.

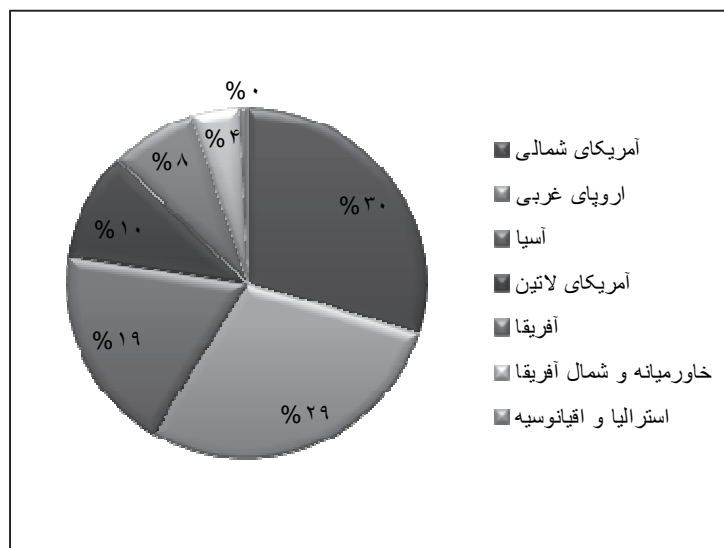
- همچنین مؤسسه بروکینگز با ۵۶ درصد فراوانی بیشترین و بنگاه رند با ۱۵ درصد فراوانی کمترین محصول را در حوزه مسائل و موضوعات مرتبط با ایران داشته اند، که نمایانگر اهمیت جمهوری اسلامی ایران برای مؤسسه بروکینگز به عنوان اتاق فکر حزب دموکرات آمریکا است (نمودار ۱۱). لذا برای آشنایی با سیاست ها و راهبردهای دولت اوباما نسبت به ایران، رجوع به آثار این مؤسسه و به ویژه مرکز سابان توسط پژوهشگران، نخبگان و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران ضروری به نظر می رسد.

جدول یک. پراکندگی جغرافیایی اتاق های فکر در دنیا

ردیف	نام منطقه	تعداد اتاق فکر
۱	آمریکای شمالی	۱۹۱۳
۲	اروپای غربی	۱۸۷۲
۳	آسیا	۱۲۱۰
۴	آمریکای لاتین	۶۴۳
۵	اروپای شرقی	۵۲۱
۶	آفریقا	۵۰۷
۷	خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۷۱
۸	استرالیا و اقیانوسیه	۳۹
	جمع کل	۶۹۷۶

Source: McGann, James (2008). *Think Tanks & Civil Society Program*. Philadelphia: University of Pennsylvania.

نمودار یک. پراکندگی اتاق های فکر در دنیا

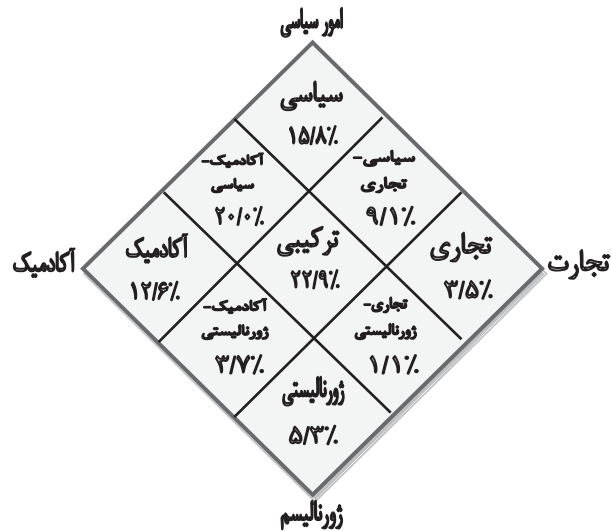


جدول ۲. فراوانی اتاق های فکر در ایالت های آمریکا

رتبه	نام ایالت	تعداد اتاق فکر
۱	واشنگتن دی.سی	۳۷۴
۲	ماساچوست	۱۷۵
۳	کالیفرنیا	۱۷۱
۴	نیویورک	۱۴۲
۵	ویرجینیا	۹۹
۶	ایلینویز	۵۷
۷	مریلند	۴۶
۸	کانتیکت	۴۵
۹	تگزاس	۴۴
۱۰	پنسیلوانیا	۴۲

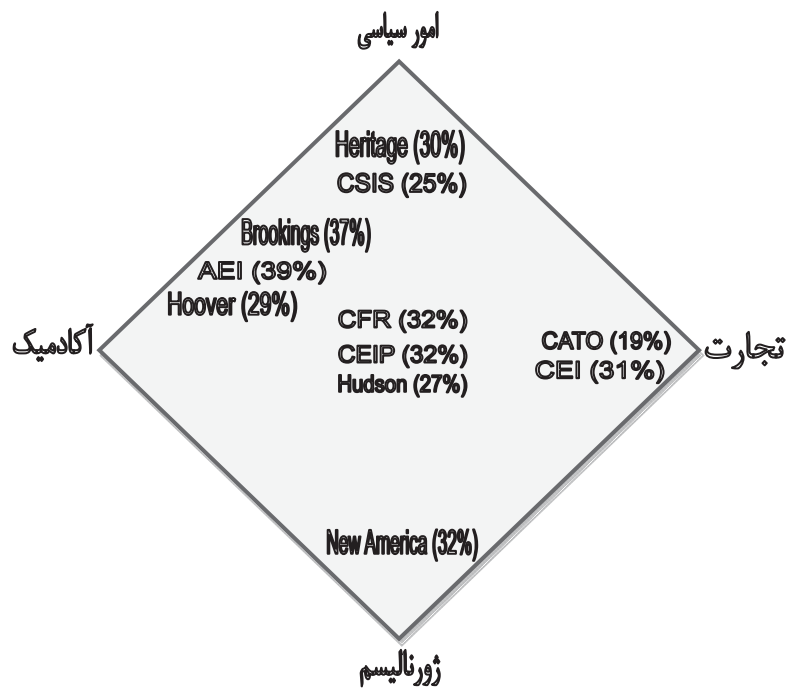
Source: James G. McGann (2008), *The Think Tanks and Civil Societies Program*, Philadelphia: University of Pennsylvania, p.16.

نمودار ۲: دسته بندی موضوعی اتاق های فکر در آمریکا



Source: Thomas Medvetz (2007), *Hybrid Intellectuals: Toward a Theory of Think Tanks and Public Policy Experts in the United States*, NY: Cornell University, pp. 45-46.

نمودار ۳.۳. اتاق های فکر آمریکایی بر اساس دسته بندی موضوعی



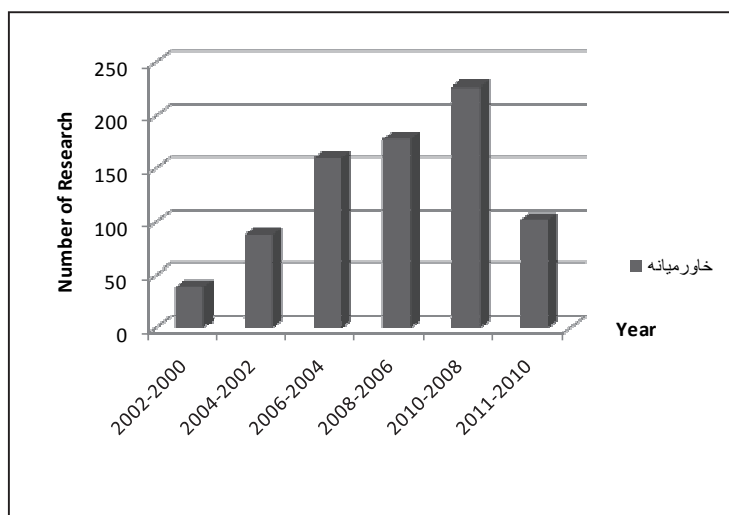
Source: Thomas Medvetz (2007), *Hybrid Intellectuals: Toward a Theory of Think Thanks and Public Policy Experts in the United States*, NY: Cornell University, pp. 45-46.

جدول ۳. اتاق های فکر برتر در ایالات متحده

ردیف	نام اتاق فکر	دفتر مرکزی	بودجه سالانه ۲۰۰۸ (میلیون دلار)	حوزه تخصصی	افراد شاخص
۱	بروکینگز	واشنگتن	۷/۶۰	سیاست خارجی، خاورمیانه، اقتصاد و سیاست اجتماعی	کنت پولاک مارتین ایندایک
۲	شورای روابط خارجی	نیویورک	۳/۳۸	سیاست خارجی آمریکا و امنیت ملی	ریچارد هاس
۳	کارنگی	واشنگتن	۲۲	چین، مقابله با تکثیر هسته ای	رابرت کاگان کریم سجادپور
۴	رند	سنت مونیکا- کالیفرنیا	۲۵۱	اقتصاد سیاسی راهبرد نظامی	ویلیام اورهالت
۵	هریتیج	واشنگتن	۴/۴۸	دفاع موشکی سیاست های مالیاتی	پیترو بروکز آریل کوهن
۶	ویلسون	واشنگتن	۵/۳۴	مطالعات منطقه ای، ترویج دموکراسی و صلح بین المللی	لی همیلتون هاله اسفندیاری
۷	مطالعات استراتژیک و بین المللی	واشنگتن	۲۹	سیاست دفاعی، دیپلماسی	زبیگنیو برژینسکی آنتونی کوردزمن
۸	اینترپرایز	واشنگتن	۶/۲۳	تجارت، دفاع و سیاست اقتصادی	نیوت گینگریج ریچارد پرل
۹	کاتو	واشنگتن	۱۹	لیبرالیسم، سیاست دفاعی و اجتماعی	کریستوفر پرل
۱۰	هوور	استانفورد کالیفرنیا	۱/۳۴	سیاست دفاعی، روابط آمریکا-روسیه	لری دیاموند مایکل مک فال

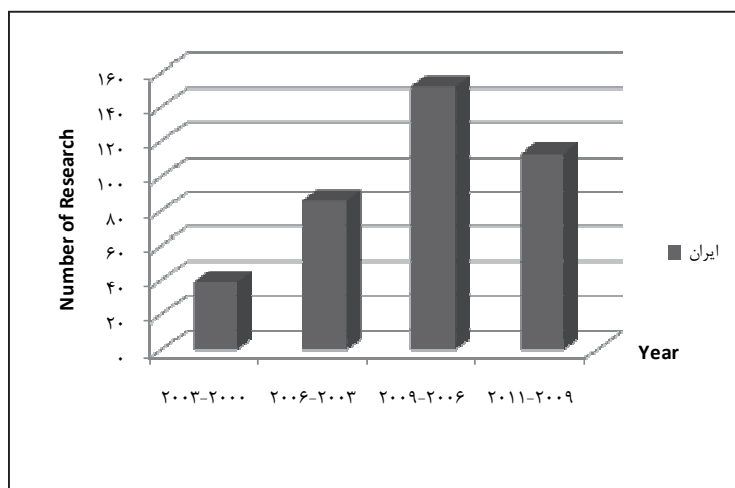
Source: James G. McGann (2008), *The Think Tanks and Civil Societies Program*, Philadelphia: University of Pennsylvania, pp.40-42.

نمودار ۴. میزان فراوانی محصولات بنگاه رند با موضوع خاورمیانه (۲۰۰۰-۲۰۱۱)



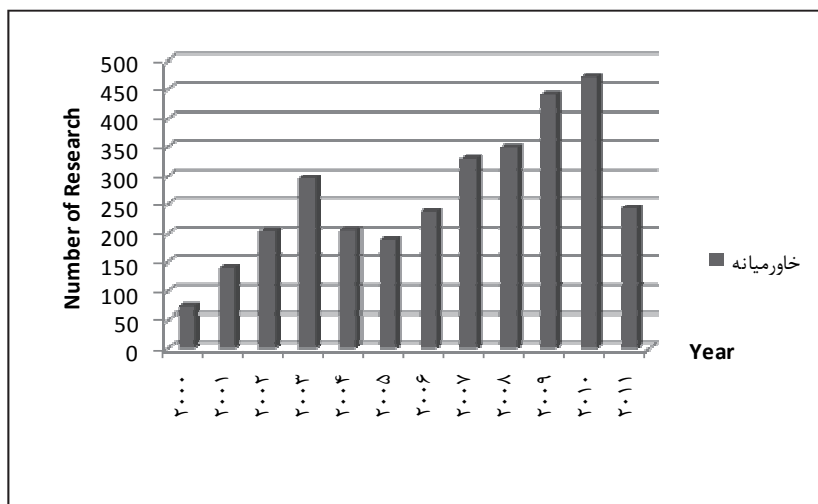
Source: <http://www.rand.org>

نمودار ۵. میزان فراوانی محصولات بنگاه رند با موضوع ایران (۲۰۰۰-۲۰۱۱)



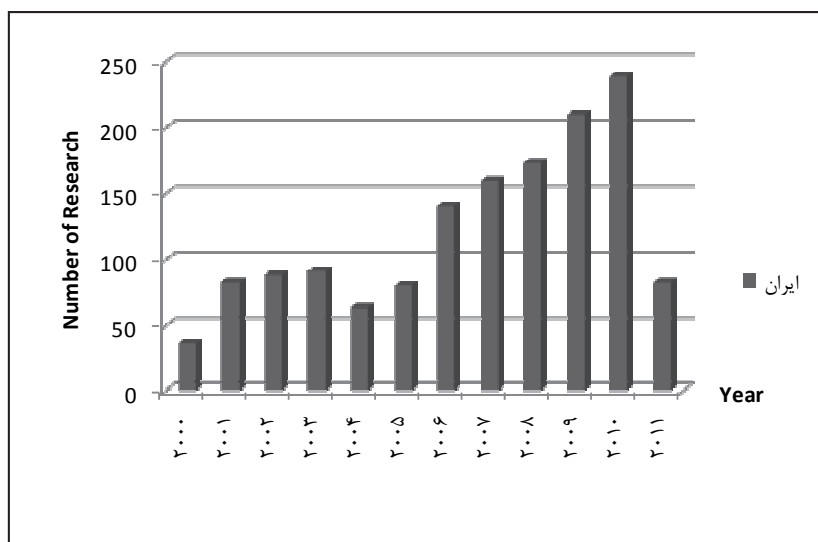
Source: <http://www.rand.org>

نمودار ۶. میزان فراوانی محصولات مؤسسه بروکینگز با موضوع خاورمیانه (۲۰۰۰-۲۰۱۱)



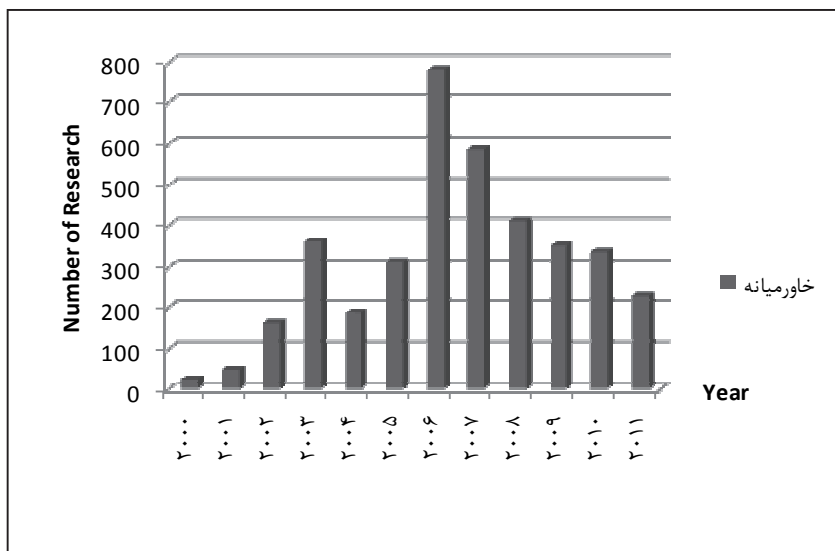
Source: <http://www.Brookings.edu>

نمودار ۷. میزان فراوانی محصولات مؤسسه بروکینگز با موضوع ایران (۲۰۰۰-۲۰۱۱)



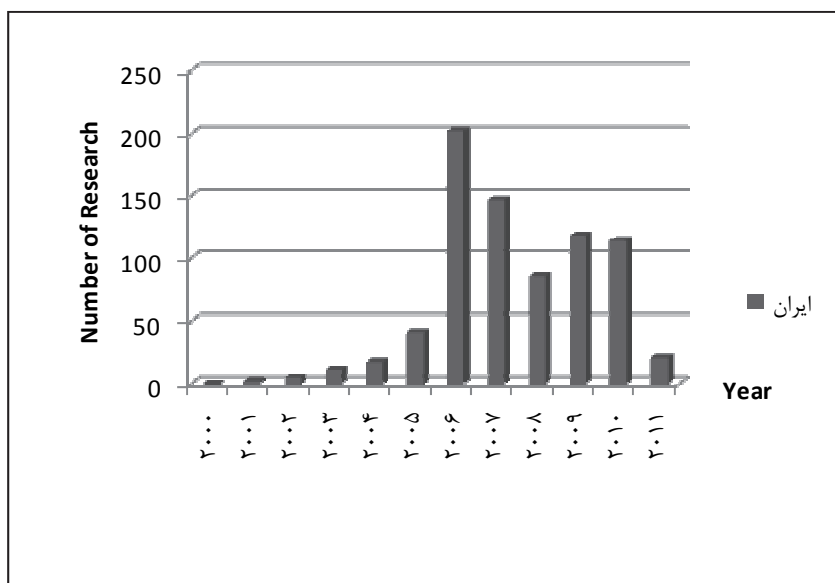
Source: <http://www.Brookings.edu>

نمودار ۸. میزان فراوانی محصولات شورای روابط خارجی با موضوع خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۰۰)



Source: <http://www.cfr.org>

نمودار ۹. میزان فراوانی محصولات شورای روابط خارجی با موضوع ایران (۲۰۱۱-۲۰۰۰)

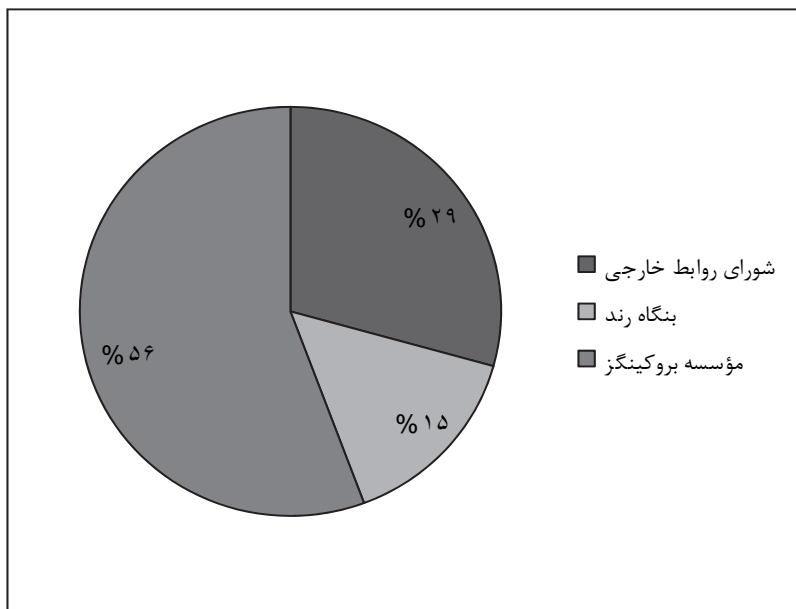


Source: <http://www.cfr.org>

نمودار ۱۰. مقایسه تعداد محصولات حوزه خاورمیانه



نمودار ۱۱. مقایسه تعداد محصولات با موضوع ایران



منابع و یادداشت‌ها

۱. بهزاد احمدی لفورکی، لابی و لابی‌گری در آمریکا، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۷، صص ۲۹۵-۲۹۴.
۲. همان، ص ۲۹۳.
3. James G. McGann, *Think Thank and Policy Advice in the U.S.*, Philadelphia: Foreign Policy Research Institute, 2005, pp.11-13.
۴. احمدی لفورکی، همان، ص ۲۹۵.
5. University of Pennsylvania, *2009 Global Go to Think Tanks Ranking Results*, 2010.
۶. آنجل راباسا و دیگران، *استراتژی آمریکا: توسعه شبکه های سکولار- لیبرال در جوامع اسلامی*، ترجمه علی اکبر اسدی، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۸۹.
۷. سید احمد نکویی، «نگاهی به بنگاه رند و رویکرد آن به مسائل ایران»، *ماهنامه پیام انقلاب*، ۱۳۸۸، شماره ۳۲، ص ۲۳.
8. Keith Crane et.al, *Iran's Political, demographic, and Economic Vulnerabilities*, Santa Monika: RAND Corporation, 2008.
۹. محمود هاشمی چمگردانی، گزارش *ماهنامه کاوش*، شماره ۲۷، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۲۲.
10. Frederic Wehrey et.al, *The Rise of the Pasdaran: Assessing the Domestic Roles of Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps*, Santa Monika: RAND Corporation, 2009.
11. Kenneth M. Pollack et.al, *Wich Path to Persia?: Options for a New American Strategy toward Iran*, Washington D.C.: The SABAN Center for Middle East Policy at The Brookings Institution, 2009.
۱۲. مصطفی دلاورپور و تقی طالبی، گزارش *طراحان تحریم جمهوری اسلامی ایران در دولت و کنگره آمریکا*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۸.
13. Richard Hass, The New Middle East. *Foreign Affairs* January, 2006, at: <http://www.foreignaffairs.com/articles/62083/richard-n-haass/the-new-middle-east>.
۱۴. سید حسین حجازی، ظرفیت های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات آمریکا، گزارش جمهور: *ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی*، شماره ۲۶-۲۷، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
۱۵. دلاورپور و طالبی، همان.
۱۶. پیشین، ص ۱۴.
۱۷. پیشین.
۱۸. پیشین، ص ۱۱.
۱۹. پیشین، ص ۲۰.
۲۰. احمدی لفورکی، همان، صص ۲۹۹-۲۹۷.